## جلسه 2

**یک‌شنبه - 07/2/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به قاعده نفی سبیل بود.

فقهاء به استناد به آیه شریفه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا و نیز برخی آیات دیگر مثل و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین و یا برخی از روایات مثل الاسلام یعلو و لایعلی علیه، فرمودند: ما هیچ حکم وضعی و یا تکلیفی که منجر بشود به سلطه کافر بر مسلمان نداریم. اگر عمومات هم اقتضاء بکند ثبوت همچون حکم وضعی یا تکلیفی را ما به استناد این ادله شرعیه آن را نفی می‌‌کنیم. و لذا برخی فرمودند: حتی استخدام مسلمان نزد یک کافر و یا شرکت تشکیل شده از کفار و یا حکومت کفار که منجر به خدمت کردن این مسلمان به آن‌ها می‌‌شود، جایز نیست. یا قراداد‌هایی که موجب تسلط کفار می‌‌شود باطل است.

یکی از احتمالاتی که در مسأله تحریم تنباکو توسط مرحوم میرزای شیرازی مطرح است همین است که نه بر اساس استناد به حکم حاکم شرع و اعمال ولایت فقیه بوده بلکه بر اساس این بود که آن قراداد معروف به قراداد رُژی که یک شرکت انگلیسی با کمک دولت انگلیس و سرمایه‌داران انگلیسی انحصار توتون و تنباکو را در ایران به مدت پنجاه سال طبق این قرارداد به خودشان اختصاص داده بودند و میرزای شیرزای دید این منجر به سلطه کفار بر مسلمین می‌‌شود و هر نوع کمک به این قراداد شرعا حرام خواهد بود. بر این اساس ممکن است ایشان فرمود الیوم استعمال تنباکو بایّ وجه کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است.

طبق این قاعده چه بسا خرید یک کالا از حکومت‌ها یا شرکت‌های کافره اگر منجر به سلطه آن‌ها بر مسلمین بشود، حرام است.

البته یکی از بحث‌های مهم در رابطه با این قاعده تشخیص معنای کافر و مؤمن است. لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا، مراد از کافر کیست؟ آیا مطلق غیر مسلمان است؟ یا بالاتر، شامل غیر مؤمن هم می‌‌شود؟ و یا برخی که اخیرا گفته‌اند مراد از کافر در آیات قرآن یک صنف خاصی از غیر مسلمین هستند، ‌کسانی که متخاصم با مسلمین هستند و عناد با مسلمین می‌‌کنند نه غیر مسلمانانی که خواهان زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان هستند. این‌ها را باید بعدا بررسی کنیم.

عرض کردیم فقهاء چه در زمان قدیم چه در زمان متأخر این قاعده نفی سبیل را پذیرفته بودند. از فقهاء متأخر، صاحب جواهر است که در جلد 37 از جواهر صفحه 294 می‌‌فرماید: لاحضانة للکافرة مع الاب المسلم لکون الولد مسلما حینئذ باسلام ابیه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا. اگر مرد مسلمانی از یک زن کافره‌ای فرزند پیدا کرد یا آن زن بعد از این‌که صاحب فرزند شد از این مرد مسلمان مرتد شد، این زن کافره یا مرتده حق حضانت بر این ولد مسلم ندارد چون حق حضانت یک نوع ولایت اگر باشد خلاف آیه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا است. بلکه اگر حضانت یک نوع احقیت هم باشد خلاف حدیث الاسلام یعلو و لایعلی علیه است.

و همین‌طور در جلد 42 صفحه 150 باز به همین آیه شریفه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا تمسک کرده که اگر مسلمانی کافری را بکشد، وارث کافر این مقتول حق قصاص ندارد چون خلاف آیه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا هست و با عدم قول به فصل اگر وارث آن مقتول مسلمان هم باشد می‌‌گویید حق قصاص ندارد.

مرحوم شیخ انصاری هم در کتاب نکاح صفحه 128 فرموده است: پدر کافر یا مرتد بر دختر مسلمانش ولایت در امر ازدواج ندارد. دختری مسلمان هست یا مسلمان شده، می‌‌خواهد ازدواج کند، نیازی ندارد از پدر کافرش اذن بگیرد. بعد می‌‌فرماید چون قرآن فرموده است:‌ و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا، و ولایت این پدر بر دختر یک نوع سبیل بر او است.

البته در مکاسب در بحث بیع عبد مسلم به کافر، در جلد 3 مکاسب صفحه 584 در استدلال به این آیه شریفه و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا، مناقشه می‌‌کند. و می‌‌فرماید:‌ اگر نبود که مشهور شده است استدلال به این آیه، به نحوی که در کنز العرفان گفته است فقهاء به این آیه استدلال کردند، استدلال به این آیه قابل مناقشه بود. چون به قرینه صدر آیه که می‌‌فرماید فالله یحکم بینهم یوم القیامة و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا، خداوند بین مسلمین و کفار در روز قیامت حکم می‌‌کند و هیچ‌گاه برای کافرین علیه مؤمنین سبیلی قرار نخواهد داد، این آیه مربوط می‌‌شود به عالم آخرت. علاوه بر این‌که در عیون اخبار الرضا در ذیل این آیه شریفه حدیث آمده است که مراد از نفی سبیل، نفی حجت است. کافرین بر علیه مؤمنین حجت ندارند، خداوند برای آن‌ها حجت قرار نداده است.

و البته این اشکال دوم اشکالی است که صاحب حدائق مکرر در حدائق این اشکال را مطرح کرده، ‌از جمله در جلد 23 حدائق صفحه 268 گفته: المراد بالسبیل المنفی انما هو من جهة الحجة و الدلیل. بعد هم استشهاد کرده به همین حدیث عیون اخبار الرضا. حدیث این است: صدوق نقل می‌‌کند از تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی (مجهول است) او گفت حدثنی ابی عن احمد بن علی بن انصاری عن صلت الهروی قال قلت للرضا علیه السلام یابن رسول الله!، تا اینجا می‌‌رسد: و فیهم قوم (در کوفه قومی هست) یزعمون ان الحسین بن علی علیهما السلام لم یقتل و انه القی شبهه علی حنظلة بن اسد الشامی و انه رفع الی السماء کما رفع عیسی بن مریم (در کوفه قومی هستند گمان می‌‌کنند امام حسین کشته نشده و حنظله شامی به نظر لشگریان یزید شبیه امام حسین دیده شد و او را کشتند به خیال این‌که او امام حسین است و خداوند امام حسین را به آسمان برد مثل حضرت عیسی) و یحتجون بهذه الآیة و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا فقال کذبوا علیهم غضب الله و لعنته و کفروا بتکذیبهم لنبی الله فی اخباره بان الحسین بن علی علیهما السلام سیقتل و الله لقد قتل الحسین علیه السلام و قتل من کان خیرا من الحسین امیرالمؤمنین و الحسن بن علی و ما منا الا مقتول و انی و الله لمقتول بالسم باغتیال من یغتالنی اعرف ذلک بعد معهود الیّ‌ من رسول الله صلی الله علیه و آله أخبره به جبرئیل عن رب العالمین عز و جل و اما قول الله عز و جل و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا فانه یقول لن یجعل الله لکافر علی مؤمن حجة و لقد أخبر الله عز و جل عن کفار قتلوا النبیین بغیر الحق و مع قتلهم ایاهم لن یجعل الله لهم علی انبیاءهم سبیلا من طریق الحجة. عیون اخبار الرضا جلد 2 صفحه 203. طبق این حدیث لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا به معنای این است که خداوند حجت و دلیلی را برای اثبات حقانیت کفار علیه مسلمین به دست کفار نمی‌دهد.

مرحوم آقای خوئی هم در مصباح الفقاهة جلد 5 صفحه 86 با این اشکال مرحوم شیخ در مکاسب موافقت کرده. فرموده: ظاهر این آیه نفی سبیل در آخرت است. و در موسوعه جلد 33 صفحه 253، در این بحث که پدر کافر ولایت بر دختر مسلمانش ندارد در امر ازدواج، فرموده: أستدل علیه فی بعض الکلمات جملة من الآیات الکریمة و النصوص الشریفة کقوله تعالی لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا و قوله صلی الله علیه و آله الاسلام یعلو و لایعلی علیه و قد تعرض شیخنا الاعظم قدس سره الی مناقشة دلالة‌ هذه النصوص مفصلا و لقد اجاد فیما افاد. فان السبیل المنفی فی الآیة المبارکة انما هو الحجة. آیه لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا نفی وجود حجت به نفع کفار علیه مسلمین می‌‌کند نه نفی تسلط کافر بر مسلم. بعد فرموده است: و لذا یثبت للکافر السلطنة علی اجبره المسلم حیث یجب علیه تنفیذ ما استأجره علیه.

امام قدس سره استدلال به این آیه شریفه را پذیرفته. ایشان در کتاب البیع جلد 2 صفحه 720 فرموده: معنای مختلفه‌ای ذکر کردند برای سبیل در این آیه، مثل این‌که گفتند: خداوند برای کافرین علیه مؤمنین سبیل قرار نمی‌دهد یعنی آن‌ها را یاری نمی‌کند. ‌بعضی‌ها گفتند آن‌ها حجت ندارند که احتجاج کنند و استدلال کنند علیه مؤمنین و ابطال کنند آیین مؤمنین را. بعضی‌ها هم گفتند مراد نفی حجت و سبیل در آخرت است. بعضی‌ها هم گفتند به معنای نفی سلطنت است. و لکن ظاهر این است که آیه اعم از همه این‌ها هست. سبیل یعنی طریق و این آیه ظاهرش این است که خداوند مطلقا سبیلی به نفع کافرین علیه مؤمنین قرار نداده است نه در عالم تکوین نه در عالم تشریع. اما در عالم تکوین خداوند به کفار مثل بقیه انسان‌ها امکانات متعارف داده اما تایید و امداد و وعده یاری به مؤمنین داده نه به کفار، ‌به مؤمنین وعده یاری داده که موجب قوت قلب لشگر اسلام بوده و آن‌ها را یاری کرده به امداد‌های غیبی خودش و لذا فرموده و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذلة و لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة. پس در عالم تکوین خداوند راه و سبیل برای کافرین علیه مؤمنین قرار نداده از طریق یاری آن‌ها و امداد رساندن به آن‌ها و همین‌طور طریق قرار نداده برای کفار علیه مؤمنین در مقام احتجاج و استدلال چون کتاب مؤمنین کتابی است که لایأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه و حجت مؤمنین حجت ظاهر و قوی است. و همین‌طور در عالم تشریع هم سبیل قرار نداده است برای کفار. پس نفی سبیل در آیه مطلق است و شامل همه این احتمالات که مطرح شده می‌‌شود.

قبل از این‌که ما بحث استدلال به این آیه شریفه را بر قاعده نفی سبیل و اشکالاتی که به آن مطرح شده دنبال کنیم، کلمات برخی از مفسرین را اعم از شیعه و عامه نقل کنیم و بعد بحث را دنبال کنیم:

آنچه که در تفسیر تبیان جلد 3 صفحه 364 و مجمع البیان جلد 3 صفحه 196 مطرح می‌‌شود این است که گفته‌اند: یا مراد از این آیه این است که در عالم آخرت کافرین غلبه نمی‌کنند بر مؤمنین و در تبیان این را نقل کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام و یا در این دنیا حجت ندارند کافرین علیه مؤمنین.

فخر رازی هم در تفسیر خودش مفتاح الغیب جلد 11 صفحه 248 می‌‌گوید: یک قولی از علی علیه السلام و ابن عباس است که مراد از این آیه نفی سبیل در آخرت است به قرینه این‌که بعد از این جمله آمده که فالله یحکم بینکم و بینهم یوم القیامة. قول دوم که نقل می‌‌کند این است که مراد سبیل در دنیا است ولی سبیل به معنای حجت است، ‌یعنی حجت مسلمین غالب است بر حجت کفار. قول سوم هم که نقل می‌‌کند این است که بگوییم عام است این آیه همه سبیل‌ها را می‌‌گیرد. بعد می‌‌گوید شافعی تمسک کرده به این آیه در مجالات فقهیه، مثل این‌که کافر حق ندارد عبد مسلم را بخرد یا اگر مسلمانی کافری را کشت، نمی‌توانند او را قصاص کنند.

این کلمات مفسرین است در مقام.

ان‌شاءالله از جلسه آینده بحث استدلال به این آیه شریفه بر قاعده نفی سبیل و اشکالات آن را دنبال می‌‌کنیم و همین‌طور استدلال به سایر آیات و روایات.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.